



دکتر محمد رضا سرکار آرائی

# هنر خوب رهبری کردن

مروری بر اندیشه‌های کونوسوکه ماتسوشیتا، مدیر و کارآفرین برجسته ژاپنی  
 - نویسنده: کاتسوهیکو آگوچی  
 - مترجمان: مرتضی مجدفر، وحیدرضا نعیمی  
 - چاپ اول، ۱۳۹۰، ۱۵۲ صفحه، چهار هزار تومان  
 - ناشر: پیشگامان پژوهش مدار (۱۷/۴۵۲۴۸۳۳ - ۰۲۱)

## اشاره

**دکتر محمد رضا سرکار آرائی**، در سال‌های نخستین راه‌اندازی مجله رشد مدیریت مدرسه، عضو شورای سردبیری آن بود. او که آن زمان مشاور مرحوم علاقه‌مندان، رئیس فقید سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بود، دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی است و اکنون در دانشگاه سی‌جو شهر ناگویای ژاپن به تدریس و پژوهش در حوزه مطالعات تطبیقی آموزش و به ویژه «درس پژوهی» اشتغال دارد و هم‌زمان مدیر بخش تحقیقات آموزش متوسطه دانشگاه است. سه سال پیش به همت دکتر سرکار آرائی، کاتسوهیکو آگوچی، نماینده فعلی مجلس مؤسسان ژاپن و رئیس مرکز ترویج اندیشه‌های مدیریتی کونوسوکه ماتسوشیتا، مدیر و بنیان‌گذار کارخانجات پاناسونیک و ناسیونال ژاپن، به ایران آمد و درباره شیوه‌های مدیریتی این مدیر بزرگ ژاپنی، چند کارگاه آموزشی برگزار کرد. در حاشیه کارگاه، آگوچی با هماهنگی دکتر سرکار آرائی، نسخه‌ای از کتاب خود با عنوان *The Art of Good Leadership* (هنر خوب رهبری کردن) را در اختیار مرتضی مجدفر و وحیدرضا نعیمی قرار داد که اکنون پس از ترجمه در اختیار خوانندگان ایرانی،

ایمان که مظهر اسلام اند بیگانه‌ایم.

در هر حال به نظر می‌رسد که ما نتوانسته‌ایم به خوبی نسل جدیدمان را با اسلام آشنا کنیم و گاهی آن‌چنان با دین سلیقه‌ای برخورد کرده‌ایم که به عالم بی‌عمل تبدیل شده‌ایم، آن وقت است که دیگر هیچ کس حوصله سخنرانی‌هایمان را ندارد. در کجای دنیا انسان دوستی، وفاداری، صداقت، احترام و صدها صفت ارزنده انسانی که شهدای ما نمونه بارز آن‌اند و کتاب آسمانی‌مان سرشار از آن، ارزش نیست اگر ما اسلام را آن‌طور که هست به نسل جوانمان بشناسانیم، می‌توانیم آن‌ها را مجهز به سلاحی کنیم که سپر هر نوع تهاجمی باشد.

اما آن قدر در بحث مسائل پرورشی به انجام کار صوری و به اصطلاح فرمالیته خو گرفته‌ایم که تهیه فیلم و کلیپ برای کارهایی که اصلاً انجام نداده‌ایم، استفاده از عکس‌های سال‌های گذشته و تهیه کلیپ‌های پرطمطراق دچار عذاب وجدانمان نمی‌کند که هیچ، تازه به لطف آشنایی اندک با رایانه و نرم‌سازی بهتر، معاون و مربی پرورشی نمونه می‌شویم، آن وقت همه جا می‌توانیم از افتخاراتمان صحبت کنیم و از این که اداره ما را به این عنوان می‌شناسد، سرخوش باشیم، آن چه دغدغه نوشتن این متن شده است پیدا کردن مقصر نیست بلکه شناخت درد است؛ دردی ناشی از باور رسالت‌مان به عنوان دست‌اندرکاران آموزش و پرورش نسل جدید است و به نظر می‌رسد که باید عینک ارزشیابی‌هایمان را تغییر دهیم و ملاک فعالیت‌های پرورشی را بازخورد رفتار دانش‌آموزان کنیم. آن وقت می‌توان امیدوار بود گام‌های صوریمان به گام‌های عملی تبدیل شود. اقدام توزیع دفترچه‌های رایگان از سوی ساکنان این روزهای آموزش و پرورش آقای **حاجی بابایی** که خیلی هم به چشم نیامد، بهترین نمونه انجام یک اقدام عملی در این راه است. آن چه این اقدام را شایسته تقدیر می‌کند قضیه رایگان بودن دفاتر نیست بلکه تلاشی است که با توزیع دفترچه‌های بسیار زیبا که نشانگر هویت ایرانی و اسلامی کشور عزیزمان است در جهت پررنگ شدن این هویت که به نظر می‌رسد در بین انواع لوازم التحریر منقش به شخصیت‌های کارتونی بیگانه گم شده، صورت گرفته است.

اقدام عملی دیگر در این زمینه برگزاری اردوی راهیان نور است. مدرسه‌ای مجازی که رسالت فراموش شده‌مان را به یادمان می‌آورد، پس بهتر است تنها نگران عقب‌افتادگی درسی دانش‌آموز نباشیم، بلکه نگران عقب‌افتادگی خودمان از کاروان تربیت باشیم. اگر دانش‌آموزی از درسی افتاد نظام ارزشیابی به ما این اجازه را می‌دهد که امتحان را تکرار کنیم، اما آیا از علم بدون اخلاق هم می‌توانیم امتحان بگیریم. قبولی‌اش را کجا ثبت می‌کنیم؟ اصلاً اگر روزی این امتحان برگزار شود ما نیز جزو قبول شدگانیم! پس بیایید تربیت این کلید مفقوده آموزش و پرورش را، جدی بگیریم؛ چرا که به قول شاعر سفر کرده مدیریت‌دان **مجتبی کاشانی** مغزها پر نشود چون انبار!

## باب شرکت در کلاس ضمن خدمت

گفتند: چه کنیم تا بابتی بگشاییم بر این که مدیران در کلاس‌ها ضمن خدمت شرکت کنند؟! پاسخ آمد: کلاس غیرحضورى چاره کار است.

پس مجله رشد مدیریت این باب را گشود. اما چون این باب باعث مسدود شدن باب‌های مکان ضمن خدمت می‌شد، پس آن‌ها را که اطلاع نداشتند بی‌اطلاع گذاشتند و برای آن‌ها که شرکت کردند مدرک ارائه نمودند.

**نتیجه:** بابتی را بگشایید که بابتی را نبندد؛ وگرنه زور باب روان‌تر می‌چربد و یا باب چرب‌تر روان‌تر است.

به ویژه مدیران قرار گرفته است. این کتاب که رمزهای موفقیت را به روشنی تبیین می‌کند، پر است از خاطرات و روش‌های مؤثر مدیریتی و می‌تواند به خوبی مورد استفاده مدیران در کلیه سطوح، از جمله مدیران مدارس قرار گیرد. دکتر سرکارآرانی پس از دریافت متن ترجمه شده این کتاب و مطالعه دقیق آن، برداشت و حس درونی خود را درباره آن به رشته تحریر درآورده است که در پی می‌آوریم:

غروب یکی از روزهای پایانی فصل تابستان ۹۰، در دفتر کارم در دانشگاه سی‌جو، پاکتی از طرف همکار فرزانه‌ام مرتضی مجدفر دریافت کردم. ایشان ۵ جلد کتاب با عنوان «هنر خوب رهبری کردن» اثر کاتسو هیکوگوچی (ترجمه خود با همکاری وحیدرضا نعیمی) را برایم فرستاده بود. به سرعت کارهای روزمره را سر و سامان دادم و با یک جلد از کتاب که مدت‌ها انتظارش را می‌کشیدم، به راه افتادم. ساعتی بعد و زمانی که بیش از نیمی از صفحات کتاب را با اشتیاق خوانده بودم، خود را در رستوران «سوشی» در مرکز شهر ناگویا یافتم. ادامه مطالعه کتاب که مروری بر اندیشه‌های پدر مدیریت مدرن ژاپن که از طرف **هاروارد و ام‌ای‌تی**، بزرگ‌ترین کارآفرین سده بیستم جهان لقب گرفته است، همراه با خوردن «سوشی» شوق آموختن و آهنگ آموزه‌های کونوسوکه ماتسوشیتا را شنیدنی‌تر می‌کرد. به علاوه ترجمه روان مترجمان و وفاداری شگفت‌انگیز آن‌ها به متن، شوق بیشتری را در من ایجاد کرد تا آن را با متن اصلی هم مرور کنم و ضمن بررسی عمیق پیام‌های نویسنده، بیش از پیش از مترجمان اثر بیاموزم. این جانب سال‌هاست که نویسنده اثر را از نزدیک می‌شناسم. ایشان و همکارانش را به ایران نیز دعوت کرده‌ام و همان‌طور که مترجمان کتاب در پیش‌گفتار خود به روشنی توضیح داده‌اند، با هم کارگاه آموزشی نیز برای مدیران برگزار کرده‌ایم. در عین حال ترجمه اثر چنان جذاب است که بنده به رغم مطالعه این اثر به زبان‌های ژاپنی و انگلیسی در سال‌های پیش، از مطالعه آن به زبان فارسی بسیار موختم و تاکنون بیش از دو بار آن را به دقت خوانده‌ام. بیش از آموزه‌های ماتسوشیتا که به جای خود نیاز امروز مدیران برای نوسازی اجتماعی است، شیوه نگارش فارسی و تعهد اخلاقی مترجمان به متن و کوشش بدیع آن‌ها در به تصویر کشیدن آن چه به دشواری در قالب واژه‌ها می‌گنجد، آموزنده است. همت والای مترجمان در غنی‌سازی متن و ترجمه روان فارسی، به رغم سوشی که ماهی خام است، پخته و جذاب و تحسین‌برانگیز و آموزنده است.

در این اثر، پیام‌های بسیار سازنده‌ای برای همکاران آموزشی، مدیران و والدین وجود دارد. «آموزش، مستلزم شکیبایی است»، «با کارهای خود الگو باشید»، «آن چه را درست است، انجام دهید»، «از کسانی استفاده کنید که از شما بهترند»، «مایل به شنیدن باشید»، «اصول را فدا نکنید»، «بگذارید افراد از اشتباه خود یاد بگیرند»، «جنبه خوب هر کسی را در نظر بگیرید»، «از موضع قدرت با افراد صحبت نکنید»، «صداقت، عزت نفس را تقویت می‌کند»، «به چشمان افراد نگاه کنید»، «دمای عاطفی افراد را بسنجید»، «جامعه دیگر زیر سلطه مردان نیست»، و... از جمله پیام‌های آموزنده‌ای است که به زیبایی روح پیام‌های ماتسوشیتا را ترسیم می‌کند و البته آموزه‌های مورد نیاز امروز زندگی اجتماعی ماست.

این کتاب، به زبان‌های گوناگونی ترجمه شده است. این جانب مایلیم مطالعه این اثر را به مدیران شرکت‌ها، رؤسای سازمان‌های خدماتی، بنگاه‌های اقتصادی و دولتی، کارگزاران آموزش و پرورش در همه سطوح، مسئولان کلان شهرها، مدیران شهری و توسعه روستایی، اعضای شوراهای شهر و روستا، والدین، پژوهش‌گران، کارشناسان و دانشجویان رشته‌های علوم اجتماعی، مدیریت آموزشی، اقتصاد، بازرگانی و همه علاقه‌مندان به مباحث مربوط به پیشرفت و نوسازی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور توصیه کنم. به ویژه آن را هدیه مناسبی برای همه معلمان عزیز در هفته معلم می‌دانم و همکاران را به اندیشه در پیام‌های آن دعوت می‌کنم.